

به نام خدا

# مبانی فقهی و حقوق بشری حاکم بر مجازات رجم

مولفان :

نجمیه السادات فاضلی

فاطمه انتشاری

انتشارات بامن

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه : فاضلی، نجمیه السادات، ۱۳۶۷-  
عنوان و نام پدیدآور : مبانی فقهی و حقوق بشری حاکم بر مجازات رجم / مولفان نجمیه السادات  
فاضلی، فاطمه انتشاری.  
مشخصات نشر : انتشارات با من، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری : ۲۷۷ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۸۳-۲  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۵ - ۲۷۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
موضوع : سنگسار (فقه)  
سنگسار  
سنگسار -- ایران  
زنا -- قوانین و مقررات  
زنا -- قوانین و مقررات -- ایران  
حقوق بشر  
شناسه افزوده : انتشاری، فاطمه، ۱۳۶۰-  
رده بندی کنگره : BP۱۹۵/۶  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۳۸۴۴۵  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : مبانی فقهی و حقوق بشری حاکم بر مجازات رجم  
مولفان : نجمیه السادات فاضلی - فاطمه انتشاری  
ناشر : انتشارات با من  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۲۷۷۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :  
<http://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۸۳-۲  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

مقدمه	۹
<b>فصل اول: تبیین مفاهیم و کلیات تحقیق</b>	<b>۱۳</b>
مبحث اول: تبیین مفاهیم تحقیق	۱۳
گفتار اول: مفهوم حقوق بشر	۱۳
بند اول: تعریف فلسفی حقوق بشر	۱۴
بند دوم: تعریف جامعه شناسانه حقوق بشر	۱۵
بند سوم: تعریف لیبرالیستی حقوق بشر	۱۵
بند چهارم: تعریف حقوق بشر از نگاه دینی	۱۶
بند پنجم: تعریف حقوقی حقوق بشر	۱۷
گفتار دوم: مفهوم مجازات رجم و مصادیق اجرای آن	۱۸
بند اول: مفهوم رجم در لغت و اصطلاح	۱۸
بند دوم: مصادیق اجرای معین مجازات رجم	۲۳
گفتار سوم: مفهوم مجازات جلد و مصادیق اجرای معین آن	۲۵
بند اول: مفهوم مجازات جلد	۲۵
بند دوم: مصادیق اجرای معین مجازات جلد	۲۷
گفتار چهارم: شکنجه و رفتارهای غیرانسانی از دیدگاه فقه اسلامی	۳۱
گفتار پنجم: شکنجه در اسناد حقوق الملل بشر	۳۵

- بند اول: اسناد جهانی ..... ۳۵
- بند دوم: اسناد منطقه‌ای ..... ۳۸
- بند سوم: تمایز بین شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، ظالمانه یا تحقیرآمیز ..... ۳۹
- بند چهارم: مصادیق شکنجه و رفتارهای غیرانسانی ..... ۴۴
- مبحث دوم: پیشینه‌ی تاریخی مجازات رجم و شلاق از منظر حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل بشر ..... ۵۱
- گفتار اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ ..... ۵۱
- گفتار دوم: پیشینه تاریخی مجازات رجم ..... ۵۳
- بند اول: پیشینه تاریخی رجم در قانون نامه‌های عرفی ..... ۵۴
- بند دوم: پیشینه تاریخی رجم در قوانین کیفری روم و یونان باستان ..... ۵۸
- بند سوم: پیشینه تاریخی رجم در قوانین کیفری آمریکا و اروپا ..... ۶۰
- بند چهارم: پیشینه تاریخی رجم در قوانین کیفری ادیان یهود، زرتشت و مسیحیت ..... ۶۲
- بند پنجم: پیشینه تاریخی رجم در قوانین کیفری اسلام ..... ۶۸
- گفتار سوم: پیشینه تاریخی مجازات جلد ..... ۷۹
- بند اول: پیشینه تاریخی جلد در برخی کشورهای جهان ..... ۷۹
- بند دوم: پیشینه تاریخی جلد در کشور ایران ..... ۸۲
- فصل دوم: مبانی فقهی تجویز مجازات‌های رجم و جلد ..... ۸۷**
- مبحث اول: مبانی فقهی تجویز مجازات رجم ..... ۸۷
- گفتار اول: دیدگاه فقهای امامیه ..... ۸۸

- گفتار دوم: ادله فقهی مجازات رجم ..... ۹۱
- بند اول: قرآن کریم ..... ۹۱
- بند دوم: سنت ..... ۹۴
- بند سوم: اجماع ..... ۹۷
- گفتار سوم: اقوال و ادله فقه عامه ..... ۹۸
- بند اول: فقه مالکی ..... ۹۸
- بند دوم: فقه حنبلی ..... ۱۰۰
- بند سوم: فقه شافعی ..... ۱۰۱
- بند چهارم: دیدگاه فقه حنفی ..... ۱۰۴
- گفتار چهارم: مناقشه در مجازات رجم ..... ۱۰۶
- بند اول: رد ادله فقه عامه ..... ۱۰۷
- گفتار دوم: رد ادله فقه امامیه در مورد رجم ..... ۱۱۴
- مبحث دوم: مبانی فقهی تجویز مجازات جلد ..... ۱۱۷
- گفتار سوم: اثبات عقلانیت مجازات جلد در فقه امامیه ..... ۱۲۲
- بند اول: عقلانیت مجازات جلد به جهت تأمین اهداف مربوط به مجرم ..... ۱۲۲
- بند دوم: عقلانیت مجازات جلد در جهت تأمین اهداف مربوط به اجتماع ..... ۱۳۷
- فصل سوم: مبانی حقوق بشری نفی مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۴۱**
- مبحث اول: نفی رجم و جلد ..... ۱۴۱
- گفتار اول: مخالفت حقوق بشر با مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۴۱
- گفتار دوم: ناقض کرامت بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۴۲

- گفتار سوم: تعارض رجم با آزادی ..... ۱۴۴
- گفتار چهارم: نفی کارآمدی مجازات رجم و جلد ..... ۱۴۵
- بند اول: عدم بازدارندگی مجازات‌های خشن رجم و جلد ..... ۱۴۵
- بند دوم: عدم تأثیر مجازات‌های رجم و جلد، نسبت به افراد خشن ..... ۱۴۸
- بند سوم: گسترش خشونت در اثر اعمال مجازات‌های خشن رجم و جلد ..... ۱۴۸
- بند چهارم: به بی‌کیفیری انجامیدن بکارگیری مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۴۹
- بند پنجم: دفع فاسد به افسد بودن اجرای مجازات‌های خشن رجم و جلد ... ۱۵۰
- بند ششم: ایجاد انگیزه برای ارتکاب جرایم بیشتر توسط مجرمین و متهمین  
..... ۱۵۱
- بند هفتم: امکان دستیابی به اهداف مجازات رجم و جلد با مجازات‌های  
غیرخشن ..... ۱۵۱
- بند هشتم: ناسازگاری مجازات‌های رجم و جلد، با احساسات و عواطف پاک  
انسانی ..... ۱۵۲
- گفتار پنجم: منسوخ بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۵۲
- گفتار ششم: تلازم مجازات‌های رجم و جلد و حکومت‌های استبدادی ..... ۱۵۵
- بند اول: مجازات‌های رجم و جلد متناسب با سرشت حکومت‌های استبدادی  
..... ۱۵۵
- بند دوم: مجازات‌های رجم و جلد در خدمت منافع حاکمان مستبد ..... ۱۵۶
- بند سوم: فساد حکومت‌های استبدادی نتیجه اعمال مجازات‌های رجم و جلد  
..... ۱۵۷
- گفتار هفتم: تلازم مجازات‌های رجم و جلد و سرکوب‌گری و انتقام‌گیری ..... ۱۵۸

- گفتار هشتم: جبران ناپذیری مجازات‌های رجم ..... ۱۵۹
- گفتار نهم: نامتناسب بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۶۰
- گفتار دهم: شکنجه بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۶۱
- گفتار یازدهم: تحقیرآمیز بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۶۲
- گفتار دوازدهم: ظالمانه بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۶۳
- مبحث دوم: نقد و بررسی مبانی حقوق بشری رجم و جلد ..... ۱۶۴
- گفتار اول: نقد و بررسی دیدگاه مخالفت حقوق بشر با مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۶۴
- گفتار دوم: نقد و بررسی دیدگاه ناقض کرامت بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۷۱
- بند اول: تعریف کرامت ..... ۱۷۱
- بند دوم: انواع کرامت ..... ۱۷۱
- بند سوم: رابطه انواع کرامت با یکدیگر ..... ۱۷۶
- بند چهارم: رابطه کرامت و مجازات‌های رجم و جلد ..... ۱۸۷
- گفتار سوم: نقد و بررسی نفی کارآمدی مجازات‌های خشن ..... ۱۹۵
- بند اول: مفهوم خشونت ..... ۱۹۵
- بند سوم: خشونت از دیدگاه حقوق بشر غربی ..... ۲۰۱
- گفتار چهارم: نقد و بررسی نفی کارآمدی مجازات‌های رجم و جلد ..... ۲۱۱
- گفتار پنجم: نقد و بررسی منسوخ بودن مجازات‌های رجم و جلد ..... ۲۲۵
- گفتار ششم: نقد و بررسی تلازم مجازات‌های رجم و جلد و حکومت‌های استبدادی ..... ۲۲۸
- گفتار هفتم: نقد و بررسی تلازم مجازات‌های رجم و جلد و سرکوب‌گری و انتقام‌گیری ..... ۲۳۱

گفتار هشتم: نقد و بررسی دیدگاه جبران ناپذیری مجازات‌های رجم و جلد..... ۲۳۲

گفتار نهم: نقد و بررسی دیدگاه نامتناسب بودن مجازات‌های رجم و جلد..... ۲۳۵

گفتار دهم: نقد و بررسی دیدگاه شکنجه بودن مجازات‌های رجم و جلد..... ۲۳۷

گفتار یازدهم: نقد و بررسی دیدگاه تحقیرآمیز بودن مجازات‌های رجم و جلد... ۲۴۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادات..... ۲۴۹

فهرست منابع..... ۲۵۵



## مقدمه

بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. هم‌چنین طبق اصل دوازدهم قانون مذکور، مذهب رسمی ایران، شیعه اثنی عشری است و قانون‌گذار در تصویب قوانین حقوقی و جزائی، باید بر اساس منابع فقهی شیعه اقدام نماید. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز با استناد به اصول مذکور و با توجه به اصل هفتاد و دوم<sup>۱</sup> قانون اساسی، بر اساس منابع فقهی شیعه اقدام به تصویب قوانین نموده است. یکی از نمونه‌های بارز استفاده قانون‌گذار از منابع فقهی شیعه، استفاده از آن در تدوین مجازات‌هاست.

اگرچه در بسیاری از موارد در رابطه با نوع مجازات، اختلافی<sup>۲</sup> بین مذاهب مختلف اسلامی نیست؛ اما در برخی از موارد در میان علمای این مذاهب با بهره‌گیری از منابع اسلامی، اختلاف نظر وجود دارد. یکی از موارد اختلاف، مجازات حد رجم برای زنا می‌باشد که در میان فقهای اهل تسنن برخلاف شیعه، در رابطه با حد رجم برای زنا

---

<sup>۱</sup> اصل هفتاد و دوم: مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده برعهده شورای نگهبان است.

<sup>۲</sup> منظور از نوع مجازات، مجازات‌های حدی و تعزیری است که در رابطه با برخی از موارد حدود و تعزیرات در میان فقهای شیعه و اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد.

اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای از فقهای اهل تسنن با این استدلال که این مجازات مستند قرآنی ندارد، حد رجم را برای مجازات زنا بیان نکرده‌اند.<sup>۱</sup> این در حالی است که در میان فقهای شیعه در رابطه با مجازات رجم اجماع و اتفاق نظر وجود دارد؛<sup>۲</sup> زیرا از نظر فقهای شیعه، یکی از منابع استنباط احکام جزائی، سنت پیامبر(ص) و ائمه (علیهم السلام) می‌باشد و در روایات بسیاری به حد رجم برای زنا اشاره شده است.<sup>۳</sup>

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز، بر اساس منابع فقهی شیعه، سه نوع مجازات قتل و رجم و جلد را برای زنا بیان کرده است. در ماده ۲۲۴<sup>۴</sup> قانون مجازات اسلامی،

<sup>۱</sup> برای نمونه شافعی در کتاب «جماع العلم» به این مخالفت‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعض الناس العلماء علی ان لا رجم علی زان لقول الله تعالی: فاجلدوا کلّ واحد منهما مائه جلده» (جماع العلم ص ۲۵)

<sup>۲</sup> صاحب جواهر در جواهر الکلام در قسمت حد رجم به این اتفاق نظر فقها اشاره نموده است: «اما الرجم فیجب علی المحصن المحصنه اذا زنی او زنت بیالغه عاقله او بالغ عاقل بلاخلاف اجده فیه بل الاجماع بقسمیه علیه..» (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، ص ۳۱۸)

<sup>۳</sup> برای نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «الرجم حد الله الاکبر و الجلد حد الله الاصغر فاذا زنی الرجل المحصن رجم و لم یجلد.» (الکافی- طبعه الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۱۵-۲ امام باقر علیه السلام) می‌فرماید: «قضى» امیرالمؤمنین علیه السلام فی الشیخ و الشیخه ان یجلدا مائه و قضی فی المحصن الرجم و قضی فی البکر و البکره اذا زنیا جلد مائه و نفی سنه فی غیر مصرهما و هما اللذان قد املکا و لم یدخل بها.» (الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۲)

<sup>۴</sup> ماده ۲۲۴- حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ- زنا مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت- زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن

موارد حد قتل و در ماده ۲۲۵<sup>۱</sup> موارد حد رجم و در مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰<sup>۲</sup> موارد حد جلد بیان شده است.

راهبرد کلان حقوق اسلامی در مجازات بر اساس عدالت اجتماعی بوده و تمامی حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار را در نظر گرفته است؛ به گونه‌ای که تعدی بی‌مورد به بزه‌کار احکام قضایی خاص خود را در پی دارد. نظام بین‌المللی حقوق بشر با توجه به ذهنیت نادرست در مورد مجازات‌های بدنی اسلامی، رجم و جلد<sup>۳</sup> را نفی و به مبارزه همه جانبه با آن برخاسته است. لزوم تبیین عقلانی و جهان شمول در عصر گسترش ارتباطات این ضرورت را در پی دارد که اشکالات مطرح شده پاسخ داده شوند. نقلی بودن دلیل مجازات رجم و جلد، مانع از توجیه عقلانی این نحوه از مجازات نیست. مجازاتی که اثبات آن سهل و آسان نبوده و گوئی بیشتر جنبه تخویف و بازدارندگی دارد؛ چه آنکه تعدیل یا تبدیل آن در شرایط خاص از دیگر مواردی است که توجیه عقلانی آن را تسهیل می‌کند و جنبه بازدارندگی آن را بیشتر از پیش نمایان می‌سازد. نبود توجیه درست و عدم تبیین جایگاه تخویفی و بازدارندگی آن دستاویزی برای حمله به فقه جزایی شده است. عمده ادله نظام بین‌المللی حقوق بشر بر نفی مجازات رجم و جلد به

زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.

<sup>۱</sup> ماده ۲۲۵ - حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

<sup>۲</sup> ماده ۲۲۸- در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۲۹- مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.

ماده ۲۳۰- حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، صد ضربه شلاق است.

<sup>۳</sup> whip

سبب پیشینه تاریخی شکنجه در غرب است. در تاریخ بشر و به ویژه در اروپا، شکنجه امری عادی و عمومی تلقی می‌شد. شکنجه از ابزارهای تحقیقی در محاکم جزایی به شمار می‌رفت. در قرن شانزدهم در شهر فرانکفورت سه چهارم از محکومین مورد شکنجه واقع شده بودند. اعمال شکنجه به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرفت؛ از قبیل آویزان کردن متهم از مکان بلند و بستن وزنه به پای او، نزدیک کردن پای او به کفش پر از آتش گوگرد، چهار روز بیدار نگه داشتن و دیگر شیوه‌های آزار جسمی و روحی. با ورود به قرن هفدهم اندک اندک با این شکنجه‌ها مخالفت‌ها تشدید یافت و افرادی مثل منتسکیو، ولتر، روسو، بکاریا ضمن محکومیت شدید شکنجه به مخالفت جدی با آن پرداختند. از این رو به شکنجه در اروپا و کشورهای غربی به تدریج ممنوع و حذف شد و این رویه به مسئله جهانی تبدیل شده و به حقوق بشر تبدیل گردید و در عرصه بین المللی تبدیل به قانون شد. در مورد مجازات جلد نیز همان ادله‌ای که برای نفی جلد بیان شده است، دامن‌گیر مجازات بدل از رجم که در غرب تحقق دارد، می‌شود. چه بسا آسیب و ضررهای مجازات جایگزین به مراتب بیشتر از مجازات رجم و جلد باشد.

از یک سو قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس منابع فقهی شیعه مجازات جلد و رجم را تدوین نموده و نسبت به اجرای آن در جامعه اقدامات لازم را فراهم نماید؛ از سوی دیگر تدوین و اجرای مجازات‌های مذکور، برخلاف تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از این رو در رابطه با اجرای حد رجم و جلد علی‌الخصوص حد رجم، مخالفت‌های زیادی در میان اندیشمندان داخلی و خارجی وجود دارد.

در این رساله برآنیم ضمن بیان مبانی فقهی مجازات‌های رجم و جلد، به تحلیل مبانی این مجازات‌ها در قواعد حقوق بشر نیز بپردازیم و از این طریق عدم وجود تعارض میان مجازات‌های مذکور با اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌ها را اثبات نماییم.

## فصل اول: تبیین مفاهیم و کلیات تحقیق

بزهکار در صورت ارتکاب جرم، با جمع شرایط و مقتضیات لازم، مستحق مجازات می‌شود. ارتکاب جرم در قالب فعل یا ترک فعل می‌باشد. علاوه بر بزهکار شرکاء و معاونان وی نیز با احراز شرایط، مجازات خواهند شد. مجازات عبارت است از عکس‌العمل اجتماعی به صورت رنجی که بر بزهکار اعمال می‌شود. مجازات‌ها با ویژگی‌ها و اهداف آنها که امروزه نظر حقوق‌دانان و جرم‌شناسان را به خود جلب کرده است بدین دقت و تعمق مورد توجه قدما نبوده است. تحول نسبی مجازات، نشانه‌ای از چرخش تفکر انسان در جهت شناخت بیشتر فلسفه‌ی مجازات‌ها و نتایج حاصله از آنهاست. این تحول منجر به تغییر در نوع، میزان و شیوه‌ی اجرای مجازات و قبول تدابیری در کنار آنها تحت عنوان (اقدامات تأمینی) شده است. در این فصل به تبیین مفاهیم اساسی رساله و پیشینه تاریخی مجازات رجم و شلاق پرداخته می‌شود:

### مبحث اول: تبیین مفاهیم تحقیق

#### گفتار اول: مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر، به معنای حقوق ذاتی هر انسان فارغ از ملیت، جنسیت، نژاد، رنگ، مذهب و زبان است. اگرچه جست و جوی جنبش بین‌المللی «حقوق بشر» برای همه و

تبیین آن، ریشه‌های فلسفی و تاریخی دارد؛ ولیکن به طور مدون در سطح بین‌المللی از سال ۱۹۴۸ میلادی و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر شکل گرفت. این اعلامیه ماهیت الزام‌آور و تعهدآور نداشت، بلکه تبیین آرمان‌های اخلاقی اجتماعی بود. این اعلامیه سنگ بنای معاهدات حقوق بشری متعدد و مورد استناد و ارجاع سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها قرار گرفته است. بلاشک شاهد رشد فزاینده حقوق بشر در سطح بین‌الملل، در قالب اسناد و معاهدات مختلفی بوده‌ایم. مفهوم حقوق بشر ابتدا در جریان استقلال آمریکا مطرح شد و جنبه ملی داشت، سپس به اروپا گسترش یافت و سرانجام به یک نهاد بین‌المللی و پارادایم بین‌المللی مبدل شد.<sup>۱</sup> اعلامیه حقوق بشر که واجد وصفی «اعلامی» و «جهانی» است، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در قالب یک مقدمه و در ۳۰ ماده به تصویب رسید که باید آن را «سیمرغ بلورین نظام بین‌المللی حقوق بشر» قلمداد کرد. سیمرغی که وحدت نوع انسانی وحدت خانواده بشر را به تصویر کشیده و وحدت در عین کثرت را تعیین بخشیده است.<sup>۲</sup> تعریف دقیق از مفهوم حقوق بشر کار آسانی نیست چرا که در حوزه‌های مختلف فلسفی، جامعه‌شناسی، لیبرالیستی، حقوقی و دینی تجزیه و تحلیل شده است و هر کدام با نگاه خاص خود به انسان، اجتماع، زندگی، سیاست و قانون، به آن ورود کرده‌اند. بدون تردید، دستیابی به درکی عمیق از مفهوم حقوق بشر نمی‌تواند ناظر به یک برداشت از آن باشد.

### بند اول: تعریف فلسفی حقوق بشر

حقوق بشر توصیف‌کننده حقوق طبیعی انسان در قرن بیستم است و مراد از آن،

<sup>۱</sup> مصفا، نسرین، تحلیل حقوق بشر در بستر حقوق و سایه سیاست، ماهنامه مهر ماه، شماره ۳۹، سال پنجم، دی و بهمن ۱۳۹۳، ص ۱۰۱.

<sup>۲</sup> زمانی سید قاسم، اعلامیه جهانی حقوق بشر: سیمرغ نظام حقوق بین‌الملل، همان، ص ۹۷.

حقوقی است که هر فرد از آن جهت که انسان است، دارا می‌باشد.<sup>۱</sup> در این تعریف، حقوق بشر، طبیعی و ذاتی بشر تلقی شده است که به دلیل طبیعی بودنش دارای ماهیت فلسفی است. حقوق طبیعی، از نگاه برخی اندیشوران پس از رنسانس، آنچنان بدیهی بود که آن را معادل گزاره‌های ریاضی دانستند؛ البته این ادعا برگرفته از سخنان فلاسفه عهد یونان بود. گروسیوس (۱۵۸۳ تا ۱۶۴۵ م) در گزارش خود از گفته ارسطو مبنی بر مدنی بالطبع بودن انسان، می‌گوید: «قواعد حقوقی طبیعی چندان ثابت و پابرجا هستند که اگر خدا هم نبود تغییر در آنها رخ نمی‌داد... حقوق طبیعی مانند قواعد علم ریاضی است... حقوق طبیعی همان احکام عقل است که عملی را بر حسب سازش یا عدم سازش با طبیعت عقلای و اجتماعی آدمی‌زاد مستحسن یا قبیح تلقی می‌کند و از همین رو خداوند نیز که خالق طبیعت است آنها را مجاز یا ممنوع دانسته است.»<sup>۲</sup>

#### بند دوم: تعریف جامعه‌شناسانه حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه قواعد شناخته شده‌ای است که برای رشد شخصیت انسان ضروری بوده و نقش حیاتی دارد؛ بنابراین، باید حس حقوق بشر در افراد بشر بیدار شود تا ببینند چگونه زنجیره‌های اسارت را از دست و پای خود بکشند.<sup>۳</sup>

#### بند سوم: تعریف لیبرالیستی حقوق بشر

حقوق بشر مجموعه اصول و قواعد حمایتی است که افراد را در عرصه اجتماع و در

<sup>۱</sup> سلیمی، عبدالحکیم، ص ۶۸.

<sup>۲</sup> موحد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

<sup>۳</sup> ابوسعیدی، مهدی، حقوق بشر و سیر تکاملی آن در تاریخ غرب، چاپ دوم، تهران: انتشارات آسیا، ۱۳۴۵، ص ۷۰.

برابر اقتدار دولت، از تعرض مصون می‌دارد.<sup>۱</sup> رویکرد لیبرالیستی بیشتر به منافع و حقوق فرد توجه دارد و همت خویش را بر حمایت از حقوق افراد در نزاحات اجتماعی و در برابر اقتدار دولت قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

### بند چهارم: تعریف حقوق بشر از نگاه دینی

حقوق بشر مجموعه‌ای از اصول برخاسته از فطرت انسان است که با دویژگی در زندگی او ظاهر شده است: نخست، نیازهای درون ذاتی و دوم، استعدادهای بی‌کران رشد و تعالی. ترکیبی از این دو عنصر که شاخص اصلی فطرت انسان است، مجموعه‌ای از اصول و مقررات کلی را ایجاد می‌کند که از آن به حقوق بشر تعبیر می‌شود.<sup>۳</sup> شهید مرتضی مطهری بر این باور است که: «علمای اسلام با تبیین و توضیح اصل «عدل» پایه فلسفه حقوق را بنا گذاشتند، گو اینکه در اثر پیشامدهای ناگوار تاریخی نتوانستند راهی را که باز کرده بودند ادامه دهند. توجه به حقوق بشر و به اصل عدالت به عنوان امور

<sup>۱</sup> همان، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> شالوده‌های نخستین حقوق بشر مبتنی بر فردگرایی و لیبرالیسم بود اما طی سال‌های پس از انتشار اعلامیه و علی‌رغم کنترل‌ها و اقدامات سازمان ملل و دیگر نهادها، فرایند نقض حقوق بشر در اشکال فردی و جمعی و دولتی ادامه داشت. اعضای سازمان ملل در پی درک ارتباط وضعیت حقوق بشر با مشکلات جهانی برآمدند و تلاش کردند راه‌هایی را برای رهایی میلیون‌ها انسان محروم و مورد ظلم واقع شده را بیابند. این رویکرد نخستین بار در اعلامیه تهران (۱۹۶۸) و پس از آن در بسیاری از اسناد بعدی انعکاس یافت که عبارت بودند از: ۱. شناسایی ریشه‌های ساختاری منجر به تخلفات حقوق بشر؛ ۲. ارتباط حقوق بشر با الگوها و مسائل گسترده و کلان؛ ۳. پیوند حقوق بشر با متون و موقعیت‌های دشوار؛ ۴. شناسایی تفاوت نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تکثر مذهبی و سطوح مختلف توسعه، این رویکرد که آشکارا در اعلامیه حق توسعه (۱۹۶۸) بازتاب پیدا کرد تأکید خود را بر موقعیت محوری فرد در فرایند توسعه می‌گذارد که راهنمای سیاست‌های توسعه ملی و بین‌المللی است؛ زیرا توسعه، بهره‌مندی همه انسان‌ها را تسهیل می‌کند. عمادالدین باقی، مهنامه، شماره ۳۹، سال پنجم، دی و بهمن ۱۳۹۳، ص ۹۸.

<sup>۳</sup> همان، ص ۷۲.



ذاتی و تکوینی و خارج از قوانین قراردادی اولین بار به وسیله مسلمین عنوان شد، پایه حقوق طبیعی و عقلی را آنها بنا گذاشتند.<sup>۱</sup>

### بند پنجم: تعریف حقوق بشر

حقوق بشر عبارت از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد، به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم، از آن برخوردارند.<sup>۲</sup> در تعریف حقوقی حق حاکمیت انسان بر امور و سرنوشت خویش به رسمیت شناخته شده است و با اعتراف به استعدادهای طبیعی و قابلیت افراد برای تصمیم‌گیری، حقوقی ذاتی برای هر یک از افراد، چون «آزادی، استقلال» پذیرفته شده است. همچنین حق برخورداری انسان از امکانات زندگی، حاصل نمی‌شود مگر با تعامل و رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران. در زندگی اجتماعی، تأمین همه نیازها از طریق همکاری متقابل و مبادله استعدادهای فعال در زندگی فردی و اجتماعی ممکن می‌شود. در بعضی موارد به مداخله دولت و قدرت برتر نیاز است. لذا برای تضمین حقوق مسلم افراد انسانی، به قواعدی حقوقی نیاز است که تبیین‌کننده حقوق بشر باشد.<sup>۳</sup>

اگر قواعد موضوعه در حقوق بشر به درستی لحاظ شود، اصول بنیادی دموکراسی را دربرمی‌گیرد. در مقابل نیز اگر اصول بنیادی دموکراسی، که عبارت است از اصل همگانی بودن مشارکت متفکرانه مردم در تعیین سرنوشت خود همراه با اصول آزادی، برابری، کثرت‌گرایی فکری و حزبی، را لحاظ کنیم، رأی اکثریت و حقوق اقلیت مبانی عقلانی و

<sup>۱</sup> مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، قم، ۱۳۷۵، چاپ هشتم، ص ۱۲۴.

<sup>۲</sup> هاشمی، سید محمد، ص ۱۲.

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۴.

اجتماعی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود به شمار می‌رود که در آن حقوق بشر به نحو مطلوبی طنین‌انداز می‌شود. به عبارت بهتر، دموکراسی همان حقوق سیاسی و اجتماعی بشر است که با استقرار آن مردم از دیگر حقوق انسانی خود به نحو شایسته‌ای برخوردار می‌شوند.

### گفتار دوم: مفهوم مجازات رجم و مصادیق اجرای آن

در این گفتار، مفهوم رجم از نظر لغوی و اصطلاحی و مصادیق اجرای آن تبیین می‌گردد.

#### بند اول: مفهوم رجم در لغت و اصطلاح

تبیین مفهوم هر واژه‌ای مستلزم بررسی آن واژه را از نظر لغوی و اصطلاحی است؛ لذا در این بند ابتدا واژه‌ی (رجم) را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و پس از آن، مفهوم آن را در کتاب و سنت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف) رجم در لغت

واژه رجم در لغت معانی زیادی دارد، اما سؤال این است که این معانی چه نقطه‌ی اشتراکی باهم دارند و کدام یک از این‌ها مدنظر است؛ بنابراین تبیین معنای لغوی واژه‌ی رجم و تعیین نقطه‌ی اشتراک این معانی می‌تواند به فهم بیشتر موضوع کمک نماید. لذا در این قسمت ابتدا معانی واژه‌ی رجم در لغت و سپس مفهوم آن در اصطلاح ارائه می‌گردد.

واژه (رجم) در لغت معانی مختلفی دارد که به طور مختصر شامل موارد ذیل می‌شود:

کشتن، سنگسار کردن و پرتاب نمودن سنگ به سوی کسی، گذاشتن سنگ بر

چیزی، از روی حدس و گمان سخن گفتن، طرد و راندن و لغت کردن، سب و دشنام دادن، قذف، غیبت و غیر آنها.

کشتن: ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: به (قتل) رجم گفته می‌شود چون در گذشته هرگاه می‌خواستند کسی را بکشند تا کشتن وی به سوی او سنگ پرتاب می‌کردند. سپس به هر قتلی، رجم گفته شد. رجم زناکار محصن (رجم الثیبن اذا زنیاً) به این معنا می‌باشد.<sup>۱</sup> فخرالدین طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: «رجم» یعنی کشتن و در اصل، کشتن به وسیله‌ی پرتاب کردن سنگ است. (مرجوم) و (مرجومه) نیز بدین معنا می‌باشند.<sup>۲</sup>

**سنگسار کردن و پرتاب نمودن سنگ به سوی کسی:** ابن فارس در معجم مقاییس اللغه ذیل واژه رجم گوید: معنای حقیقی (رجم) پرتاب کردن و انداختن و معنای مجازی آن سنگ می‌باشد.<sup>۳</sup> رجمه-رجم: به او سنگ انداخت. الرجم ج رجوم: آنچه پرتاب شود و با آن کسی یا چیزی را بزنند. تراجموا: به یکدیگر سنگ زنند. المرجم: آنچه که به وسیله‌ی آن سنگ اندازند.<sup>۴</sup>

**گذاشتن سنگ بر چیزی:** رجم-رجم القبر: سنگ بر قبر گذاشت و آن را مشخص

<sup>۱</sup> ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۸ هـ، ذیل مدخل ((رجم)).

<sup>۲</sup> طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ج ۲، قم، موسسه ارساله، ۱۴۱۵ هـ ذیل مدخل (رجل) و نیز رک: فتحی بهنسی، احمد، الموسوعه الجنانیه فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۸.

<sup>۳</sup> ابن فارس، احمد، معجم مقاییس الغه، ج ۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ هـ، ذیل مغل (رجم).

<sup>۴</sup> معطوف، لویس، المنجد فی الغه و الاعلام، ج ۱، ترجمه ی مصطفی رحیمی اردستانی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۷۷ ش، ذیل مدخل (رجم) و نیز رک: فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۹ هـ، ذیل مدخل (رجم) و دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ذیل مدخل (رجم) و معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات سرایش، ۱۳۸۰، ذیل مدخل (رجم)

کرد. رجم القبر: سنگ بر آن گور نهاد. ارتجم الشيء: بعضی از آن بر بعضی دیگر قرار گرفت. الرجم (ج رجام): قبر، چاه، تنور. کعب بن زهیر می گوید: «انا ابن الذی لم یخزنی فی حیاته\* و لم اخره حتی تغیب فی الرجم» یعنی: «من پسر کسی هستم که در زندگی اش رسوایم نساخته و من هم از آن زمان که در گور نهان شده رسوایش نکرده‌ام» الرجمه و الرجمه (ج رجم و رجام): سنگی که بر گور نصب می کنند، گور، لانه‌ی کفتار. الرجمه: تپه‌ی بلندی از سنگ الرجام، مفردش (رجمه): آنچه که بر روی چاه بنا می کنند تا چاه را روی آن قرار دهند. تپه‌ها الرجامان: دو چوبی که بر سر چاه نصب می کنند و چرخ چاه را بر آن می گذارند.<sup>۱</sup>

**از روی حدس و گمان سخن گفتن: رجم - رجما الرجل: آن مرد از روی گمان سخن گفت.** «رجمت بالغیب»<sup>۲</sup>: از روی حدس و گمان. وقتی گویند: صار فلان رجما؛ یعنی فلان چنان است که بر حقیقت او نمی توان آگاه شد. «حدیث مرجم: «سخنی که به حقیقت آن پی نبرند»<sup>۳</sup> گفته‌ی (زهیر) نیز شاهده‌ی بر این معناست که گوید: «و ما الحرب الا ما علمتم و ذقتم\* و ما هو عنها بالحدیث المرجم.» یعنی: «و جنگ چیزی نیست جز آنچه می دانید و تجربه کرده‌اید و آنچه درباره‌ی جنگ می گویم، سخن از روی حدس و گمان نیست.»<sup>۴</sup> کذف و غیبت نیز همان معنای «از روی ظن و گمان سخن گفتن» را می رسانند یعنی تهمت زدن به وسیله‌ی غیبت و گمان.

**طرد و راندن و لعنت کردن، سب و دشنام دادن: رجمه-رجما: او را لعنت کرد.** به

<sup>۱</sup> فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بغداد، دارالشوون الثقافیه العامه، ۱۹۸۶م، ج ۶، ذیل مدخل (رجم).

<sup>۲</sup> کهف/۲۲

<sup>۳</sup> لویس، معلوف، ذلیل مدخل (رجم).

<sup>۴</sup> زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا ذیل مدخل (رجم) و ابن منظور، ذیل مدخل

((رجم))

او دشنام داد، او را راند، از او دوری گزید. تراجمو بالکلام: به یکدیگر ناسزا گفتند. الرجیم: لعنت شده و از آن جمله است (الشيطان الرجيم) یعنی شیطان لعنت شده. المراجم: سخنان زشت، می‌گویند: «تراموا بالراجم» یعنی به یکدیگر سخنان زشت گفتند.<sup>۱</sup> طریحی در می‌گوید که (شیطان رجیم)؛ یعنی با نفرین کسی را رجم نمودن، طرد شده از جایگاه خیر و برکت که تمامی مومنان به هنگام ذکر نام او -شیطان- وی را لعن و نفرین می‌کنند.<sup>۲</sup> «ولاتجعل صوبه علينا رجوما.»<sup>۳</sup> و خشکسالی را مایه‌ی عذاب بر ما قرار نده. به نظر می‌رسد نقطه‌ی اشتراک همه‌ی معانی فوق الذکر مضمون پرتاب کردن و دور انداختن می‌باشد مثلاً. در سنگسار کردن، پرتاب کردن و در تهمت و غیبت و گمان، به نوعی پرتاب سخن (سخن گفتن بدون دلیل و برهان) مدنظر می‌باشد.

### (ب) رجم در اصطلاح

از نظر فقهای اسلامی، رجم یا سنگسار، مجازات زانی یا زانیه است که در صورت جمع شرایط خاصی اعمال می‌گردد. عبدالقادر عوده در التشریح الجنائی الاسلامی می‌نویسد: رجم، مجازاتی است که همه فقها به وجود آن اعتراف نموده و آن را مجازات زناکار محصن (مرد و زن) می‌دانند.<sup>۴</sup> محدث دهلوی در «حجه الله البالغه» گوید: حد زناکار محصن، رجم است.<sup>۵</sup> عبدالکریم زیدان در المفصل گوید: رجم، یکی از مجازات‌های

<sup>۱</sup> لویس، معلوف، ذیل مدخل (رجم) و محمد معین، ذیل مدخل (رجم)

<sup>۲</sup> طریحی، فخرالدین، ج ۲، ذیل مدخل (رجم)

<sup>۳</sup> زین‌العابدین، علی بن حسین، الصحیفه السجادیه، قم، موسسه الامام المهدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴. دعای نماز طلب باران بعد از خشکسالی، شماره ۵۳ ص ۱۰۷

<sup>۴</sup> عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۵م، ص ۳۱۶

<sup>۵</sup> محدث دهلوی، ولی الله، حجه الله البالغه، ج ۲، ترجمه ی محمد یوسفه حسین پور، تربت جام، انتشارات شیخ اسلام احمد جام، ۱۳۸۲، ص ۴۲۹

مقرر شده برای زنا است و در مورد زناکار محصن و محصنه اجرا می‌شود.<sup>۱</sup> مصطفی رافعی نیز در احکام الجرائم فی الاسلام، رجم را حد زناکار شخص محصن و محصنه می‌داند.<sup>۲</sup> مقدسی در فروع می‌نویسد: «هرگاه فرد محصن زنا کند، او را تا حد مرگ رجم می‌کنند.»<sup>۳</sup> فقهای شیعه نیز به این امر اشاره نموده‌اند. در تحریرالوسیله چنین آمده است: یکی از اقسام حد زنا، سنگسار است که واجب است آن را در مورد مرد محصن یعنی دارای همسر که با زنی بالغه و عاقله زنا کند و نیز در مورد زنی محصنه یعنی دارای شوهر که به مردی بالغ و عاقل زنا دهد. اعمال نمود هرچند که زن و مرد جوان باشند.<sup>۴</sup> صاحب جواهر الکلام چنین اظهار می‌دارد: رجم، مجازات زناکار محصن و محصنه است بدین نحو که هرگاه مرد دارای همسر با زنی بالغه و عاقله زنا کند و یا اینکه زنی دارای شوهر به مردی بالغ و عاقل زنا دهد واجب است که هر دو را رجم نمایند.<sup>۵</sup> همچنین در (شرح لمعه) گفته شده: دومین مورد از حدود زنا، حد رجم یا سنگسار است. هرگاه مرد محصن (دارای زن) با زن بالغ و عاقل زنا کند سنگسار واجب می‌شود؛ خواه آن زن آزاد بوده یا کنیز باشد و خواه مسلمان بوده یا کافر باشد.<sup>۶</sup> با توجه به تعاریف بیان شده، فقهای اسلام اعم از اهل سنت و شیعه، تقریباً نظر واحدی در تعریف رجم دارند و آن را

<sup>۱</sup> زیدان عبدالکریم، المفصل فی احکام المراه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۵، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷هـ، ص ۱۲۴

<sup>۲</sup> رافعی، مصطفی، احکام الجرائم فی الاسلام، القصاص و الحدود و التعزیر، بیروت، الدار الافریقیه العربیه، ۱۴۱۶هـ، ص ۶۶

<sup>۳</sup> مقدسی، محمد بن مفلح، الفروع، ج ۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸هـ، ص ۷۳

<sup>۴</sup> خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۳، بیروت، دارالمنظر (دار الاضواء)، ۱۴۱۰هـ، ص ۴۱۷.

<sup>۵</sup> نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۳۱۸.

<sup>۶</sup> جعی العاملی، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه، ج ۹، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، ص ۷۲.

به یک شکل تعریف نموده‌اند.

### بند دوم: مصادیق اجرای معین مجازات رجم

مجازات رجم (سنگسار) برای جرائم زیر پیش‌بینی گردیده است:

الف) زنا: هرگاه زانی و زانیه، علاوه بر شرایط عمومی (بلوغ، عقل، علم به حرمت و اختیار)، شرایط احسان را نیز داشته باشند در این صورت مجازات آنها بدون خلاف و اشکال، سنگسار خواهد بود؛ و بر این امر اجماع محصل و منقول دلالت دارد.<sup>۱</sup> در صورتی که زانی یا زانیه، پیر باشند قبل از سنگسار، به آنها تازیانه نیز به عنوان مجازات حدی زده می‌شود.<sup>۲</sup> گرچه در قرآن مجید تنها مجازات ذکر شده برای زنا تازیانه است، اما از نظر روایات و فقها، حد رجم از حدود مسلم و یقینی بوده و در روایات زیادی آمده است که پیامبر(ص) و علی(ع) این حد را اجرا نموده‌اند.<sup>۳</sup> به هر حال این مسئله اجماعی بوده و علمای زیادی اعم از شیعه و سنی بر این امر ادعای اجماع نموده‌اند.<sup>۴</sup>

ب) لواط: حد لواط مطلقاً قتل است و یکی از راه‌هایی که برای اجرای مجازات آن

<sup>۱</sup> موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ فقه الحدود و التعزیرات، قم، منشورات مکتبه امیرالمومنین، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۲.

<sup>۲</sup> مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه کتاب الحدود و التعزیرات، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب؛ ۱۴۱۸ق، صص ۷۰-۹۱.

<sup>۳</sup> حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل‌الشیعه، تحقیق عبدالرحیم‌الربانی الشیرازی، تهران المکتبه‌الاسلامیه، ۱۴۰۱ق، الطبعةالخامسه، ج ۱۸، ص ۴۷۷، ج ۱، ص ۳۷۹، ج ۲.

<sup>۴</sup> طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، تحقیق سید جواد شهرستانی و محمد مهدی نجفی، قم، موسسه‌النشر الاسلامی التابعه.

لجماعه‌المدرسین، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۵، محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، تحقیق محمود قوچانی، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۴)، الطبعةالرابعه، ج ۴۱، ص ۳۱۳.

پیش‌بینی شده است، رجم است.<sup>۱</sup>

پ) مساحقه: هرگاه زنی یا زن دیگر در حالی که محصنه است، ارتباط جنسی برقرار نماید، سنگسار می‌شود.<sup>۲</sup>

در کیفیت اجرای این مجازات‌ها اختلاف نظرهایی وجود دارد که تفصیل آن از بحث ما خارج است.

آنچه در رابطه با نحوه اجرای این مجازات مشهور است، این است که ابتدا گودالی را حفر می‌کنند و مجرم را اگر مرد است تا کمر و اگر زن است تا سینه در گودال قرار می‌دهند و پوششی بر روی سرش می‌کشند و سپس او را با سنگ‌های متوسط (نه زیاد کوچک که بیش از اندازه موجب زجر و عذاب او شود و نه زیاد بزرگ که موجب مرگ فوری مجرم شود) آنقدر مورد هدف قرار می‌دهند تا بمیرد؛ البته در برخی اقوال سنگ‌های کوچک قید شده است.<sup>۳</sup> این مجازات می‌تواند به نحو ترکیبی با مجازات غیر سالب حیات، مانند شلاق برای زانی و زانیه پیر و همچنین بطور مستقل، در موارد دیگر، اعمال گردد.

<sup>۱</sup> موسوسی خویی، ابوالقاسم، مبانی تکلیبه‌المنهاج، نجف، مطبعه‌الاداب، بی تا ج ۱، صص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ محمد حسن‌النجفی، ج ۱، ص ۳۸۱، ابی صلاح تقی‌الدین ابن نجم‌الدین عبدالله الحلبي، الکافی فی الفقه، به نقل از علی اصغر مروارید، سلسله‌البنایع‌الفقیه (الحدود)، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ق، الطبعة‌الاولی، ج ۲۳، ص ۶۸.

<sup>۲</sup> موسوی خویی، ابوالقاسم صص ۲۴۷ و ۲۴۸، محمد حسن نجفی، ص ۳۸۸.

<sup>۳</sup> ر ک: شیخ طوسی، علی بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، به نقل از علی اصغر مروارید، ص ۸۸.



## گفتار سوم: مفهوم مجازات جلد و مصادیق اجرای معین آن

### بند اول: مفهوم مجازات جلد

یکی از مجازات‌های بدنی که سالب حیات نمی‌باشد، جلد و شلاق است. مجازات جلد در بیشتر اعمالی که از نظر شریعت ممنوع شمرده شده‌اند، پیش‌بینی گردیده است. این مجازات گاهی به صورت تنها و مستقل، برای اعمال خاص ممنوع شده، در نظر گرفته شده است و گاهی در کنار مجازات‌های دیگر به صورت مجازات مرکب، به کار گرفته شده است؛ در نحوه اجرای آن نیز گاهی با شدت و گاهی به طور متوسط و گاهی بسیار خفیف اعمال می‌گردد. در چگونگی اجرای آن به جهت پوشش مجرم - از جهت عریان بودن یا نبودن - به حسب موارد، متفاوت می‌گردد و اختلافاتی مطرح است. جلد در لغت، تازیانه‌ای است که از چرم می‌سازند. این واژه از ماده «جَلَد» عربی به معنای تازیانه‌زدن آمده است. دهخدا آن را مرادف ضرب دست و مانند آن، سه چنگ، چوب زدن، شَلَّاق خوردن، ضربه دیدن و ضربه خوردن دانسته‌اند. لغت‌نامه‌ی دهخدا، تازیانه‌زدن را کنایه از مباشرت و نزدیکی جنسی دانسته‌اند. ونیز شلاق را به معنی سوط، مقرعه، قمچی، شوخ و فتنه‌انگیز بکاربرده‌اند.

در اصطلاح حقوقی، جلد از اقسام مجازات بدنی و ترهیبی تربیلی ذ تلقی می‌شود که در قانون مجازات اسلامی ایران و سایر قوانین موضوعه خاص، به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده است. این مجازات حسب مورد به عنوان کیفر حدی یا تعزیری به دفعات مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. در طول تاریخ همواره کسانی که مرتکب جرم گردیده‌اند، با واکنشی به نام مجازات مواجه بوده‌اند. در این میان مجازات جلد، دیرینه‌ای چند هزار ساله در میان مجازات‌ها داشته و از دوران باستان تاکنون مورد توجه زمامداران بوده و در طول تاریخ هشتاد ساله‌ی تقنینی ایران نیز، جز برهه‌ای کوتاه، مورد توجه

قانون‌گذار بوده است. امروزه قوانین کیفری و تعیین مجازات‌ها با تأسی از علوم جنایی به ویژه کیفر شناسی و جرم شناسی دچار دگرگونی شده است و مجازات جلد از سیاهه‌ی قوانین بسیاری از کشورها حذف شده است؛ اما در کشور ما در موارد متعددی قانون‌گذار برای مجازات مرتکبین جرایم مختلف، مجازات جلد را در نظر گرفته است. وضع و اجرای مجازات جلد به لحاظ تأمین‌کردن برخی از اهداف، از جمله اهدافی که از اجرای مجازات‌ها با رویکرد به جامعه مد نظر می‌باشد، مورد توجه می‌باشد و این در حالی است که به لحاظ نداشتن برخی شرایط مورد نظر برای مجازات‌ها، از جمله نداشتن ویژگی اصلاحی و تردید در نقش بازدارندگی آن، مورد مخالفت گروهی از کیفرشناسان قرار گرفته است. همچنین، با توجه به یافته‌های رمج شناسی، خصوصاً در جایی که به بزهکار نحوه‌ی واکنش به رفتار مجرمانه‌ی وی می‌پردازد و اصلاح و بازپروری بزهکار و توجه به شخصیت وی را مورد تأکید قرار می‌دهد، این مجازات به لحاظ برخورد مستقیم با مجرم و زدن ضربات تازیانه بر جسم وی عدم امکان انجام اقدامات اصلاحی و بازپروری، مقبولیت چندانی میان جرم‌شناسان ندارد. این در حالی است که گروهی از کیفرشناسان با تکیه بر ویژگی‌هایی از جمله تسریع در اجرای آن و داشتن بازدارندگی کم هزینه بودن اجرای آن و ... بر ادامه وضع و اجرای آن تأکید دارند.

## بند دوم: مصادیق اجرای معین مجازات جلد

مصادیق این مجازات بسیار زیاد است که در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌گردد:

### ۱. زنا

دلیل عمده برای مجازات شلاق برای این عمل قرآن کریم است.<sup>۱</sup> گرچه یکی از مجازات‌های زنا قتل است، ولی در برخی موارد، مجازات شلاق به صورت مستقل یا در کنار مجازات قتل، به عنوان یکی از مجازات‌های عمل زنا در نظر گرفته شده است. برای نمونه در زناای پیرمرد و پیرزنی که دارای شرایط احسان هستند، علاوه بر مجازات سنگسار، مجازات جلد نیز قبل از اجرای حکم سنگسار جاری می‌گردد.<sup>۲</sup> البته موارد دیگری هم برای این فرض وجود دارند که از ذکر آنها صرف نظر می‌گردد؛ اما در زناای مرد بالغ محصن با غیر بالغ مجنون، زناای زن محصنه با پسر بچه غیر بالغ، زناای غیر محصنه، مجازات جلد به صورت مستقل، به عنوان مجازات تعیین گردیده است.<sup>۳</sup>

### ۲. لواط و لواحق آن

بر اساس شریعت اسلام، مجازات لواط در موارد زیر جلد می‌باشد:

الف) تفخیز که حد آن در شریعت اسلامی صد تازیانه است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> سوره نور (۲۴)، آیه ۲.

<sup>۲</sup> حرعاملی، محمد بن حسن، ج ۱۸، ص ۳۴۹، ج ۱.

<sup>۳</sup> نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۲۸، سیدروح الله، موسوی خمینی، تحریر الوسیله، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۳.

<sup>۴</sup> فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحدود)، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۱ق، الطبعة الثانية، صص ۳۱۲-۳۰۷.

ب) دو مردی که با هم محرم نبوده و بصورت کاملاً برهنه در زیر یک لحاف بخوابند در حالی که مضطر یا مجبور نباشند، تعزیر می‌شوند و حاکم بین ۳۰ تا ۹۰ ضربه تازیانه برای آنها تعیین می‌نماید.<sup>۱</sup>

### ۳. مساحقه و لواحق آن

الف) در صورتی که زن بالغ و عاقلی آزادانه با زن دیگر ارتباط جنسی برقرار نماید، بر او حد جاری می‌شود که صد تازیانه است.<sup>۲</sup>

ب) هرگاه دو زن درحالی که کاملاً برهنه‌اند زیر یک لحاف باشند و اجباری به این کار نباشد، مجازات آنها طبق نظر حاکم بین ۳۰ تا ۹۹ ضربه تازیانه می‌باشد که در مرحله سوم تکرار آن، حد جاری می‌گردد که صد تازیانه است.<sup>۳</sup>

### ۴. قذف

قذف عبارت است از نسبت دادن زنا، لواط و لواحق آنها به اشخاص؛ در صورتی که مقذوف بالغ، عاقل، حر، مسلمان و عقیف باشد و مطالبه اجرای حد نماید، حد قاذف اجرا می‌شود که میزان آن هشتاد تازیانه است.<sup>۴</sup>

### ۵. شراب خواری

هرگاه مسلمانی که عاقل و بالغ بوده، علم به حرمت مسکرات داشته باشد، آزادانه شرب مسکر نماید، بر او حد جاری می‌شود که هشتاد تازیانه است. شراب خمر اگر مرد

<sup>۱</sup> رک، همان، صص ۳۲۲-۳۱۲

<sup>۲</sup> نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۳۸۸.

<sup>۳</sup> رک، همان، صص ۳۹۴ و ۳۹۳.

<sup>۴</sup> رک، همان، صص ۴۱۸ و ۴۱۷.

باشد، او را عریان نموده، شلاق بر پشت و کتفش زده می‌شود و بهتر است که بر تمام اعضای بدنش (غیر از صورت و عورتین) زده شود؛ اما اگر زن باشد، او را نشانده، پارچه‌ای بر رویش انداخته و تازیانه می‌زنند.<sup>۱</sup>

## ۶. سایر موارد

اگر مرد بالغ و عاقلی، اختیاراً استمناء کند، تعزیر می‌شود.<sup>۲</sup> و در برخی روایات تصریح شده است که با شلاق به کف دست او زده می‌شود؛<sup>۳</sup> لذا بر این مبنا یا بر اساس قولی که تعزیر را تنها ناظر به مجازات شلاق می‌داند<sup>۴</sup>، این جرم مجازاتش شلاق خواهد بود و در این دسته جای می‌گیرد.

اگر پسر نابالغی را که به او محرم نیست از روی شهوت ببوسد، با شلاق تعزیر می‌شود؛ صاحب جواهر می‌فرماید در این مسئله فرقی بین محرم و نامحرم نیست؛ و چه بسا اگر محرم باشد، تعزیر شدیدتر باشد.<sup>۵</sup> اما مرحوم خوبی می‌فرماید: اگر محرم نباشد، صد تازیانه می‌خورد و اگر محرم باشد به حسب نظر حاکم تعزیر می‌گردد.<sup>۶</sup> موارد دیگری که برای آن مجازات شلاق در نظر گرفته شده است، عبارتند از: وطی با حیوانات<sup>۷</sup> سرقت غیر حدی<sup>۸</sup>، ارتداد زن که زن مرتد، به سبب ارتداد کشته نمی‌شود، بلکه حبس

<sup>۱</sup> موسوی خوئی، ابوالقاسم، ص ۲۷۴؛ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ص ۴۶۰.

<sup>۲</sup> رک: موسوی خوئی، ابوالقاسم، ص ۳۴۶؛ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۴۶۰.

<sup>۳</sup> رک: فاضل لنکرانی، محمد، پیشین؛ صص ۷۳۰-۷۲۸.

<sup>۴</sup> رک: صافی، لطف الله، التعزیر، انواعه و ملحقاته، قم، موسسه‌النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲.

<sup>۵</sup> رک: نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ص ۳۸۶.

<sup>۶</sup> رک: موسوی خوئی، ابوالقاسم، ص ۲۴۶.

<sup>۷</sup> نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، صص ۲۳۶.

<sup>۸</sup> همان، صص ۴۷۶-۵۰۸.